

Afghanistan's role in changing Helmand situation from hydropolitics level to geopolitics level

Extended Abstract

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1. Sohrab Asgari. Ph.D.

1. Assistant Prof., Geography
Dept., PNU University, Tehran,
Iran.

Correspondence:*

Address: PNU University, Tehran,
Iran.

Email: h.s.asgari@pnu.ac.ir

Article History:

Received: 15.04.2022

Accepted: 21.12.2022

Introduction

Although the world's fresh water resources are limited, they are constantly facing more demands. Population growth, urbanization and the effort to industrialization have caused more requests for fresh water. Meanwhile, more than 2 billion people in the world are facing water stress. Countries, especially in dry regions, have turned their attention to common basins in order to meet their needs. Iran has different common basins. The Hirmand Basin, which is known as the Helmand Sea in Afghanistan, is one of these common basins. Despite the bilateral agreements between Iran and Afghanistan in recent decades, Hirmand has become an issue of tension between the two countries, and its governing characteristics indicate the change of its status from hydro-politics to geopolitics of water; Because, in a continuous historical effort, Afghans have constructed various dams and diversion channels on the Hirmand and have imposed the price of their agricultural development in that basin on Iran.

Methodology

This article, which was done with an inductive approach and with the strategy of historical-geographical studies, is of an analytical type and was done in a library method. Due to nature of the subject of the research, which is an international issue between Iran and Afghanistan, therefore, the study has been carried out considering the sources, documents, bilateral agreements of the two countries and international sources and conventions.

Discussion

The negotiations between Iran and Afghanistan on Hirmand can be analyzed in three political phases: the Qajar period, the Pahlavi period, and the Islamic Republic period. The tension over water share began with the separation of Afghanistan from Iran. During the Qajar era, negotiations were held to determine the border, but no action was taken regarding the determination of the Iran's share from Hirmand water flow. Due to Reza Shah de-escalation policy, in June 1921 a friendship agreement was signed between the two countries. In 1938 an agreement was signed between the two countries that the Hirmand water in the Kamal Khan area would be halved between the two countries. Afghanistan refused to ratify this agreement. The intensification of tension and occurrence of water shortage caused the issue to be seriously pursued during the period of Mohammad Reza Shah. After the mediation of the United States, an agreement was signed in 1973, which was approved in Iran but not approved by Afghan parliament. During the period of the Islamic Republic, Hirmand water flow continuously decreased and it was completely cut off in some cases mainly during the rule of

the Taliban.

Over several decades, ignoring Iran's water share, Afghans have built many dams and diversion dams on the Hirmand and its tributaries and have caused water flow reduced. Afghanistan's performance in this regard has been in contradiction with all international conventions and regulations.

Conclusions

Preventing Iran's water share flow is enough to turn Hirmand's situation into a geopolitical issue; meanwhile Afghanistan's actions have challenged international standards. Afghanistan's behavior in Hirmand case and the termination of Iran's concession is in contradiction with paragraph 1 of Article 5 of the United Nations Watercourse Convention, which emphasizes the fair and responsible use of water resources. Also, it is in contradiction with paragraph 1 of article 7 of the same convention and paragraph 1 of article 10 of the Berlin Water Treaty and against the document of the United Nations Environment Program which approved in 1978. The former mentioned document emphasizes the countries' behavior based on good neighborhood and respect for the rights and interests of others. According to the principle of historical exploitation, cutting off Hirmand water means ignoring Iran's natural right and right to the Hirmand stream.

Keywords: Afghanistan, Hirmand, Water Share, Hydropolitic, Geopolitics of Water.

چکیده

مقدمه

منابع آب شیرین دنیا با وجود محدود بودن، پیوسته با تقاضاهای بیشتری روبرو هستند. افزایش جمعیت، رشد شهرنشینی و تلاش برای صنعتی شدن باعث بیشتر شدن درخواستها برای مصارف آب گردیده است. در این میان بیش از ۲ میلیارد نفر از جمعیت جهان با تنش آبی روبرو هستند. حدود ۳.۴ میلیارد نفر که ۴۵ درصد جمعیت جهان می‌شود به آب سالم بهداشتی دسترسی ندارند [۳۷]. در چنین شرایطی، تغییرات اقلیمی نیز مزید بر علت شده است؛ کشورها به ویژه در مناطق خشک و کم باران به دنبال تامین نیازهای خود، توجه خویش را به حوضه‌های مشترک معطوف کرده‌اند. از این رو حوضه‌های مشترک آب شیرین ارزش بیشتری پیدا کرده و تنش‌ها بین کشورهای همسایه بر سر منابع مشترک افزایش یافته است. حداقل ۲۱۴ حوضه رودخانه بین چند ملیت قرار دارد که تعداد ۱۵۵ رودخانه مشترک بین دو کشور، ۳۶ رودخانه میان ۳ کشور و ۲۳ رودخانه باقی مانده در میان ۴ تا ۱۲ کشور واقع هستند [۲۲]. این واقعیت جغرافیایی مبین آن است که زندگی برخی از کشورها در دنیا به دوام جریان آب رودخانه بین‌المللی وابسته است. خاورمیانه در میان مناطق گوناگون جهان در این زمینه از اهمیت زیادی برخوردار است. تخمین زده شده که ۵۰ درصد آب مورد نیاز کشورهای خاورمیانه از داخل کشور همسایه یا کشورهای دیگر تامین می‌شود [۵].

افغانستان تا اسفند ماه ۱۳۳۶ خورشیدی جزوئی از ایران بود و در آن زمان براساس معاهده پاریس از ایران جدا و تحت قیمومیت بریتانیا قرار گرفت؛ این وضعیت تا سال ۱۲۹۸ ادامه یافت و در آن سال افغانستان اعلام استقلال کرد. پیش از جدائی افغانستان از ایران، رود هیرمند یک رود داخلی محسوب می‌شد و حساسیتی در خصوص بهره‌برداری از آب آن وجود نداشت. مشکل بهره‌برداری و حقایق از زمان استقلال افغانستان پدیدار شد. چگونگی پیدایش مشکل و روندهای گوناگون آن و نقش افغانستان در آن موضوع اصلی پژوهش حاضر است. این مقاله که با رویکردی استقرائی و با راهبرد مطالعات تاریخی-جغرافیایی انجام شده، از نوع تحلیلی است و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و در نگارش آن منابع داخلی و خارجی مرتبط با موضوع پژوهش مورد توجه بوده‌اند. یافته‌های پژوهش تاکید دارند سهم ایران از آب هیرمند یک حق تاریخی است که پس از جدائی و استقلال افغانستان و با وجود معاهده در سال ۱۳۵۱ همواره رو به کاهش بوده و در مواردی به‌طور کامل قطع شده و منطقه سیستان را گرفتار زیستی و اقتصادی قابل توجهی کرده است. ساخت سدهای بزرگ و ایجاد کانال‌های انحراف آب از جمله اقدامات افغانستان بوده که به حقایق ایران از هیرمند و دوام جریان آن لطمه وارد کرده است. کارشکنی‌های افغانستان، آب هیرمند را از وضعیت هیدروپلیتیک به سطح ژئوپلیتیک تغییر داده است. ضمن اینکه آن اقدامات مخالف اصل رفتار بر مبنای حسن همجواری و همچنین مغایر با کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در خصوص آب‌های مشترک است.

کلمات کلیدی: افغانستان، هیرمند، حقایق، هیدروپلیتیک،

ژئوپلیتیک آب.

جغرافیایی، تاریخی حوضه آبی هیرمند، به اقدامات افغانستان در پیدایش مشکل آب در سیستان بپردازد و دلیل تبدیل شدن آب هیرمند به یک مسئله ژئوپلیتیکی بین دو کشور را تبیین کند.

مبانی نظری: آب، هیدروپلیتیک، ژئوپلیتیک آب

آب ارزشمندترین منبع برای بشر در قرن ۲۱ است [۳۳] و یکی از ارزش‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اثرگذار بر امنیت ملی هر واحد سیاسی فضایی، مسئله تامین امنیت آب مورد نیاز در بخش‌های مختلف آن است [۲۱]. عدم توزیع مناسب و منطبق بر کانون‌های جمعیتی در روی کره زمین بستر را برای بروز تنش‌های ملی و بین‌المللی فراهم کرده است. حوضه‌های مشترک استعداد ویژه‌ای در این زمینه از خود نشان می‌دهند. ۲۸۶ حوضه آبریز مشترک در کل کره زمین وجود دارد که بین ۱۵۱ کشور مشترک بوده و بیش از ۴۰ درصد جمعیت زمین را شامل می‌شود [۶]. منابع آب زمانی که به شکل مشترک بین دو یا چند کشور واقع می‌شوند اهمیت دو چندان پیدا می‌کنند. نخستین پیامد چنین وضعیتی تلاش هر یک از طرفین برای تصاحب بخش بیشتر منابع مشترک است. به بیان دیگر هر واحد سیاسی تلاش خواهد کرد برای رفع نیازهایش، کنترل یا دستیابی بیشتری به منابعی داشته باشد که مورد توجه و خواست دیگران هم هست. کشورهایی که در حوضه آبخیز و آبریز رودهای بین‌المللی قرار دارند در اینگونه موارد نسبت به دیگران از موقعیت بهتری برخوردارند.

موقعیت جغرافیایی ایران با شرایط اقلیمی خشک و نیمه خشک از یک سو و بروز خشکسالی‌های پیوسته کشور را با

گسترده‌گی قابل توجه کشورمان وجود حوضه‌های مشترک را امری اجتناب ناپذیر کرده است. نکته مهم در این خصوص گوناگونی حوضه‌های مشترک آب و میزان اهمیت آنها است. حوضه هیرمند که در افغانستان به حوزه دریائی هلمند معروف است، جزو حوضه‌های پرتنش محسوب می‌گردد. با وجود توافق دو جانبه ایران و افغانستان و تعیین حقا به در بالادست و پائین دست رودخانه در دهه‌های نزدیک، هیرمند بستری برای بروز تنش بین دو کشور شده و ویژگی‌های حاکم بر آن نشان دهنده تغییر وضعیت آن از هیدروپلیتیک به ژئوپلیتیک آب است؛ چرا که افغان‌ها در یک تلاش پیوسته تاریخی تمام توان و سرمایه خود را به کار گرفته‌اند تا در مکان‌های مناسب، بر روی هیرمند سدهای گوناگون بسازند یا کانال انحرافی ایجاد کنند و بهای توسعه کشاورزی خود در آن حوضه را به ایران تحمیل نمایند. هم‌زمانی بروز خشکسالی در جنوب شرقی کشور و کاهش آب ورودی از هیرمند مشکلات ساکنین مرزی منطقه را دوچندان کرده است [۱۱]. نتیجه تلاش افغانستان برای توسعه کشاورزی کاستن پیوسته از آب ورودی به ایران در طی نزدیک به یکصد سال گذشته بوده و در چندین نوبت آب ورودی به‌طور کامل قطع شده است. طرف افغانی مشکل خشکسالی را دلیل آن مطرح کرده است [۱۲].

افغانستان با قطع آب رودخانه هیرمند، استان سیستان و بلوچستان ایران را که زمانی انبار غله شرق به شمار می‌رفت، به سرزمین نیمه خشکیده‌ای تبدیل کرده است [۷].

این مقاله تحلیلی که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای و با مطالعه اسناد و مدارک تاریخی در دو کشور ایران و افغانستان انجام شده، تلاش می‌کند با مطالعه وضعیت

بیان دیگر هیدروپلیتیک به موضوعی می‌پردازد که هم در مقیاس داخلی و در مقیاس بین‌المللی با منافع ملی گره خورده و از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در تعریفی دیگر هیدروپلیتیک، مطالعه سیستماتیک روابط میان دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر مانند نهادهای فرادولتی درباره استفاده انحصاری از آب‌های بین‌المللی است که بر موارد زیر تاکید شده است:

- بررسی ارتباط متقابل میان بازیگران دولتی و غیردولتی؛

- تاکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون دولت‌ها؛

- تلاش در جهت استفاده انحصاری از آب؛

- اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر رودهایی که هم جنبه ملی دارند و هم بین‌المللی.

در فرهنگ جغرافیایی، هیدروپلیتیک جزو معدود واژگانی است که با گذشت زمان بر کاربرد آن افزوده می‌شود. هیدروپلیتیک از جمله زیر مجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی می‌باشد که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد [۲۹]. هر واحد سیاسی که با محدودیت منابع آبی روبرو باشد، در مقیاس داخلی ملزم به اتخاذ سیاست‌های کارآمد و راهبردی است و در مقیاس بین‌المللی نیز با فن دیپلماسی راهگشا نسبت به تعقیب منافع ملی در حوضه‌های مشترک اقدام خواهد کرد. به بیان دیگر بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی در مقیاس‌های گوناگون موضوع اصلی هیدروپلیتیک است [۲۷]. تجربه پراگماتیستی هیدروپلیتیک را بیشتر با مشخصه‌هایی چون دیپلماسی، گفتگو و توافق می‌توان شناخت. توافقی‌های زیادی در دنیا بین کشورهای مختلف بر سر منابع آب مشترک صورت گرفته که برونداد آن

بحران کم آبی شدیدی روبرو کرده است. امروزه این مشکل بخاطر خشکسالی‌های مشهود در مناطق مختلف کشور بیشتر به چشم می‌خورد. حجم بارندگی کشور بالغ بر ۴۲۹ میلیارد مترمکعب است، از این حجم، سالانه ۳۰۵ میلیارد مترمکعب (۷۱ درصد) تبخیر و به جو زمین باز می‌گردد. از ۱۲۴ میلیارد مترمکعب باقی مانده ۳۸ میلیارد متر مکعب صرف تغذیه آب‌های زیرزمینی شده و ۸۶ میلیارد مترمکعب آن در رودخانه‌ها جریان می‌یابد. در بیلان آبی کشور سالانه ۹ میلیارد مترمکعب از طریق رودخانه‌های مرزی وارد کشور شده و ۴ میلیارد مترمکعب از طریق دیگر رودخانه‌های مرزی از کشور خارج می‌شود. با در نظر گرفتن ۱۲۹ میلیارد مترمکعب آب قابل دسترس و جمعیت فعلی کشور، سهم سرانه هر فرد از منابع آب بالغ بر ۱۷۲۰ مترمکعب است، در حالی که این رقم در سال ۱۳۴۰ برابر ۵۰۰۰ متر مکعب، در سال ۱۳۵۷ حدود ۳۴۰۰، در سال ۱۳۶۷ حدود ۲۵۰۰، در سال ۱۳۷۶ حدود ۲۱۰۰ مترمکعب بود و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۳۰۰ مترمکعب کاهش یابد [۱۹].

محدودیت منابع آب فصل مشترک کتاب زندگی کشورهای مناطق خشک است. در چنین شرایطی گفتگوها و دیپلماسی میان کشورهای دارای منابع مشترک موثر می‌افتد و سهم هر طرف و میزان حق‌آبه آن دسترسی را به رسمیت می‌شناسند و متعهد به رعایت آن می‌شوند. نقش مثبت ساختارهای سیاسی در کنترل منابع آب و توزیع و بهره‌مندی عادلانه در قالب هیدروپلیتیک قابل تفسیر است. هیدروپلیتیک مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب روی شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان دولت‌ها با دولت‌ها و یا دولت‌ها با ملت‌های خود می‌پردازد [۲۶]. به

نقش سرزمین و منابع درون آن در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی در دیدگاه برخی از اندیشمندان داخلی و خارجی این حوزه، برجسته است: مجتهدزاده [۲۵]؛ عزتی [۱۵]؛ حافظنیا [۱۰]؛ لاکوست، ژیلین [۱۵] و فلینت [۲۰] می‌توان گفت بین محدودیت منابع آب و تلاش کشورها برای سهم بیشتر از یک سو و بروز تنش و چالش ژئوپلیتیکی از سوی دیگر یک رابطه مستقیم وجود دارد. از این رو می‌توان گفت که آب در مناطق پرچالش یک موضوع کاملاً ژئوپلیتیکی است.

در خصوص حوضه هیرمند و همچنین مقررات حاکم بر چگونگی بهره‌مندی از رودخانه‌های مشترک، مطالعات و پژوهش‌هایی صورت گرفته که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

شکل‌گیری هیدروپلیتیک بوده است. توافق بین سودان و مصر در رود نیل، توافق بین ترکیه و سوریه در رود فرات، توافق بین ایران و ترکمنستان در اترک و سد دوستی نمونه‌هایی از دیپلماسی آب به شمار می‌روند.

برخلاف حوضه‌های پیش گفته، حوضه‌های مشترکی وجود دارند که بر سر میزان سهم هر یک از کشورهای مشترک تنش وجود دارد. تنش‌ها در رفتار و گفتار طرفین مشهود است. این وضعیت سطحی فراتر از هیدروپلیتیک را نشان می‌دهد و نشان دهنده ژئوپلیتیک آب است. ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از آن که در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد [۱۰].

از آنجائی که ژئوپلیتیک به‌طور کلی به مطالعه اثر عوامل، عناصر و منابع جغرافیائی در روابط بین کشورها می‌پردازد و

جدول ۱: خلاصه پیشینه پژوهش

پژوهشگر	سال	محور پژوهش
حافظنیا و همکاران	۱۳۸۵	سیر تحول تعیین مرز و موضوع حقایق ایران از هیرمند.
رحمانیان، براقی	۱۳۸۹	تاریخ مذاکرات ایران و افغانستان در دوره رضاشاه.
اطاعت و ورزش	۱۳۹۱	مذاکرات دو کشور برای تعیین مرز و سهم ایران از هیرمند.
آوریده و همکاران	۱۳۹۵	قوانین بین‌المللی برای بهره‌برداری از حوضه‌های مشترک.
موسی‌زاده، عباس‌زاده	۱۳۹۵	مقررات بین‌المللی در بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی.
اسلامی و همکاران	۱۳۹۸	راهبردهای دیپلماتیک حل مشکل هیرمند.

منبع: نگارنده

و موضوع سهم ایران از آب هیرمند پرداخته و اثرات آن را در روابط سیاسی دو کشور تبیین کرده‌اند. مقاله رحمانیان و براقی با عنوان جایگاه مسئله آب هیرمند در مناسبات ایران

حافظنیا، مجتهدزاده و علی‌زاده [۹] در پژوهشی با عنوان هیدروپلیتیک و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، به بررسی سیر تحول در شکل‌گیری مرز ایران و افغانستان

خارجی مرتبط با موضوع پژوهش مورد توجه بوده‌اند. با توجه به ماهیت مسئله مورد پژوهش که موضوعی بین‌المللی است و بین دو کشور ایران و افغانستان می‌باشد، از این رو بررسی‌ها در منابع، اسناد و قوانین و مقررات دو کشور و منابع و گزارشات بین‌المللی انجام گردیده است. برای ارزیابی نادرستی اقدامات افغانستان در قبال حقایق ایران، اصول و قواعد حاکم بر کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

جغرافیای هیرمند (آبخیز، آبگیر و آبریز هلمند)

رود هیرمند در افغانستان به نام هلمند شناخته می‌شود. در اوستا این رود بنام تومانت یاد شده است. مورخان کلاسیک به نام‌های مختلف چون (ایتامند) و (ایتامندرس) یاد کرده‌اند. جغرافیه نویسان اسلامی این رود را رودخانه هزار شاخه خوانده‌اند [۱۴]. حوضه رود هیرمند (هلمند) در افغانستان حدود ۴۰ درصد از وسعت آن کشور را در بر می‌گیرد. این رود حدود ۱۱۵۰ کیلومتر طول دارد و از کوه باباخان در خاک افغانستان از ارتفاعات ۳۸۰۰ متری دامنه کوه پغمان، بهسود ولایت وردگ، پنجاب و دایکندی سرچشمه گرفته و بعد از طی مسافتی بین قلعه بست و چاربرجک به سوی جنوب غرب کشور جریان نموده و بعد از یکجا شدن با رودخانه ارغنداب در نزدیکی قلعه بست بسوی بند کمال خان جریان یافته از آنجا به سمت شمال تغییر مسیر یافته به طرف کشور ایران جریان را خود ادامه می‌دهد و به اندازه ۳۵ کیلومتر مرز آبی مشترک را با ایران تشکیل می‌دهد [۳۱]. رود هیرمند به دو شاخه اصلی به نام‌های سیستان و پریان مشترک تقسیم می‌شود. شاخه سیستان علاوه بر

و افغانستان در دوره رضاشاه [۱۳] به بررسی روند دیپلماتیک موضوع آب هیرمند بین ایران و افغانستان در دوره رضاشاه پرداخته است. اطاعت و ورزش [۳] در پژوهشی با عنوان هیدروپلیتیک هیرمند: دلایل، آثار و پیامدها به بررسی گفتگوهای ایران با افغانستان برای تعیین مرز و تعیین سهم ایران از آب هیرمند پرداخته‌اند. مقاله آوریده و همکاران [۱] با عنوان مطالعه تطبیقی اصول و قواعد بین‌المللی حاکم بر تقسیم آب در رودخانه‌های فرامرزی به بررسی قواعد و مقررات بین‌المللی در بهره‌مندی از حوضه‌های بین‌المللی پرداخته و به دو اصل مشارکت منصفانه و معقول و التزام به عدم ایراد آسیب قابل توجه به عنوان اصول مشترک در آنها اشاره کرده است.

موسی‌زاده و عباس‌زاده [۳۰] در مقاله‌ای با عنوان ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان به تبیین اصول حاکم بر بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی و جایگاه هیرمند در حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند.

اسلامی و همکاران [۲] در مقاله‌ای با عنوان راهبردهای دیپلماسی تامین حقایق رودخانه هیرمند با بهره‌گیری از نظریه بازی‌ها به بررسی راهبردهای دیپلماتیک برای تامین حقایق ایران از رودخانه هیرمند پرداخته و جایگاه آن را در دیپلماسی کشور تبیین کرده‌اند.

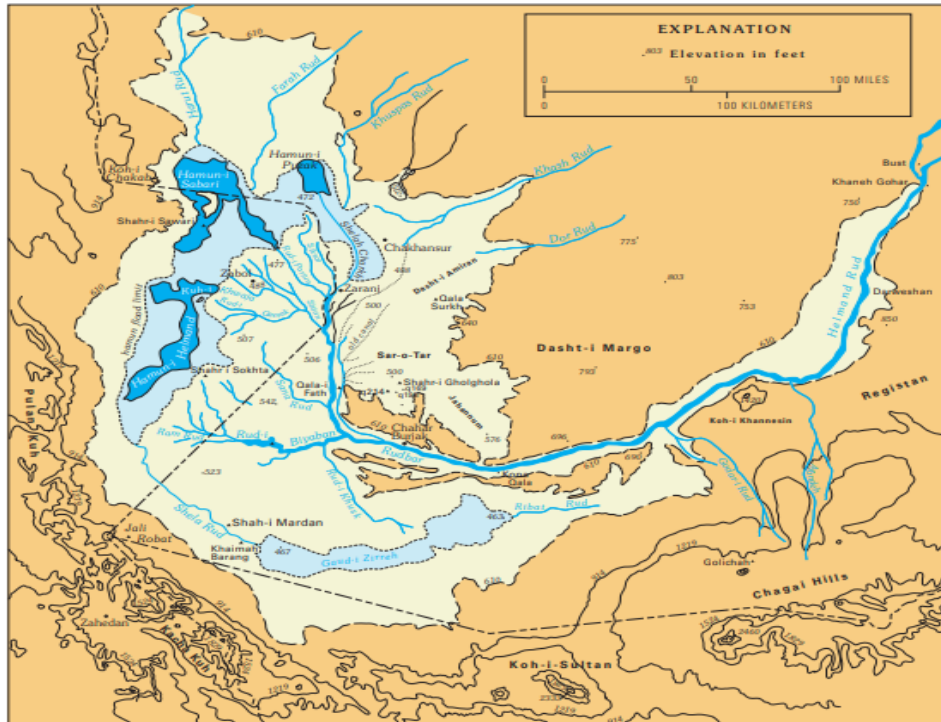
شیوه پژوهش:

این مقاله که با رویکردی استقرائی و با راهبرد مطالعات تاریخی- جغرافیایی انجام شده، از نوع تحلیلی است و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و در نگارش آن منابع داخلی و

و افغانستان حرکت کرده و در نهایت وارد هامون پوزک در خاک افغانستان می‌شود [۶].

تامین آب چاه نیمه‌ها، آب مورد نیاز کشاورزی در دشت سیستان و همچنین حقایه محیط زیستی تالاب هامون را فراهم می‌آورد. شاخه پریان مشترک نیز در امتداد مرز ایران

نقشه ۱: حوضه رود هیرمند و هامون‌ها



منبع: [۴۰]

گردیده است. این دریاچه از سه بخش به نام‌های هامون پوزک در شمال شرقی، هامون صابری در شمال و هامون هیرمند در غرب و جنوب غربی سیستان تشکیل شده است. بخش وسیعی از هامون پوزک و قسمت عمده هامون صابری در خاک افغانستان و مابقی هامون‌ها در خاک ایران قرار دارد. اغلب در سال‌های پر آبی و در فصل بهار بعد از بروز سیلاب رودخانه هیرمند و انشعابات آن، سه هامون به هم متصل شده و به شکل یک نعل اسب دیده می‌شوند.

براساس اعلام وزارت آب و انرژی افغانستان، حجم سالانه آب رودخانه هیرمند ۸.۴ میلیارد متر مکعب است [۳۱]. پست‌ترین نقطه ارتفاعی در حوضه رود هیرمند، پذیرای دبی آن می‌باشد. این تالاب‌ها و دریاچه‌های سطحی را هامون می‌نامند. کشاورزی، دامداری و زندگی ساکنان این منطقه به این تالاب‌ها بستگی دارند. تالاب بین‌المللی هامون یکی از تالاب‌های مهم دنیا و بزرگترین دریاچه آب شیرین در سراسر فلات ایران است که با مساحتی حدود ۵۷۰۰ کیلومتر مربع و دامنه عمقی ۱ تا ۵ متر در ناحیه کویری و بیابانی شرق کشور، در منطقه سیستان واقع

یافته‌های پژوهش

۱- هیرمند در مذاکرات ایران و افغانستان

مذاکرات دو کشور برای دستیابی ایران به سهم خود از هیرمند را با توجه به طولانی بودن می‌توان در سه مقطع سیاسی مورد بررسی قرار داد: دوره قاجاریه، دوره پهلوی و دوره جمهوری اسلامی.

۱-۱- دوره قاجاریه

افغانستان از مناطق مهمی بود که به واسطه بی‌لیاقتی سران قاجار از ایران جدا گشت. دسیسه و نیرنگ بریتانیای کبیر و روسیه تزاری از دلایل اصلی جدا شدن قسمت‌های مختلف از جمله افغانستان از ایران بود. ضعف و فرتوتی حکومت قاجاری در این میان البته دلیل اصلی به شمار می‌رود. فتح علی شاه در میان پادشاهان بی‌خاصیت قاجار، سرآمد همه بود. وی ضعیف و بی‌اراده و سست و بیحال بود. دائما در عیش و طرب غوطه‌ور بود. از کار و فعالیت بیزار و نفرت داشت. در دوران سلطنت طولانی و ۳۷ ساله وی مهم‌ترین و حاصلخیزترین ایالات ایران از دست رفت [۴].

در پی بروز فائله هرات نیروهای ایرانی شهر را تحت کنترل گرفتند. اقدام دولت مرکزی برای کنترل شورش‌های محلی، باعث شد بریتانیا دخالت و تهدید به اشغال جنوب ایران نماید. از حکومت ایران خواسته شد نیروهای دولت مرکزی از هرات بیرون برده شوند. در نهایت بریتانیا در نوامبر ۱۸۵۶ بر سر مسئله هرات به ایران اعلان جنگ داد. نیروهای بریتانیا به فرماندهی سرجیمز اوترم تعدادی از بندرها و جزیره‌های ایرانی در خلیج فارس را به اشغال

درآوردند و ایران را در برابر شرایط ویژه‌ای برای صلح قرار دادند. شرایط بریتانیا بیشتر شامل خروج همه نیروهای نظامی ایران از هرات و توابع آن و همچنین ترک همه دعاوی ایران نسبت به هرات و آنچه آنان سرزمین‌های افغانستان خواندند، بود [۲۴]. معاهده صلح پاریس در ۴ مارس ۱۸۵۷ مهر پایانی بر حاکمیت ایران بر افغانستان بود. اختلافات مرزی و ارضی مستعمره جدید بریتانیا با ایران پس از امضا معاهده صلح پاریس شروع شد. علاوه بر مسائل انسانی و جدائی اقوام مناطق مرزی، موضوع بهره‌برداری و حقا به دو طرف از منابع مشترک آب به موضوع بحث انگیز دوجانبه تبدیل شد. با توجه به نقش آب هیرمند در زندگی مردم دشت سیستان، کاهش در میزان آب ورودی باعث گردید مشکلات زیادی برای شهروندان پدید بیاید. در سال ۱۸۷۰ (۱۲۴۹ خورشیدی) توافق شد حل و فصل اختلافات مرزی ایران و افغانستان از راه داوری بریتانیا انجام پذیرد ولی افغانان از بریتانیا خواستند تا کار داوری را به دلیل برخی مشکلات داخلی آن کشور برای یک سال یا بیشتر به تأخیر اندازد [۱۷]. برای مذاکره، ایران میرزا معصوم انصاری یکی از دیپلمات‌های برجسته و هوشیار وزارت خارجه را به‌عنوان کمیسیونر خود منصوب کرد. حکومت هند بریتانیا ژنرال فدریک گلدسمید را در ماه مه ۱۸۷۱ م (۱۲۵۰ ش) برای ریاست گروه داوری در سیستان و بلوچستان منصوب کرد [۲۶]. گلدسمید در ۱۹ اوت ۱۸۷۲ م (۱۲۵۱ ش) رای خود را در تهران صادر کرد. رای او به‌طور کامل به مسئله تحدید حدود مرز دو کشور اختصاص داشت که براساس آن منطقه سیستان را به دو بخش سیستان درونی و سیستان بیرونی تقسیم نمود. وی سیستان بیرونی که

بخش بزرگتر و وسیع‌تر را در بر می‌گرفت به افغانستان داد و بخش سیستان درونی و قسمت کوچکتر را به ایران اختصاص داد. همچنین شاخه اصلی هیرمند در خاوری‌ترین بخش دلتا پایین کوهک را به‌عنوان مرز دو کشور تعیین نمود [۹]. گلدسمید در خصوص نحوه تقسیم آب هیرمند راهکاری ارائه نکرد و مشکل آب همچنان باقی ماند.

ساخت سد یا بند انحرافی بر روی هیرمند و در مقطعی قطع کامل آب ورودی به ایران از سوی افغانستان، دوام پر تنش مشکل آب بین دو کشور را موجب شد. علاوه بر آن، بستر رودخانه هیرمند در سال ۱۸۹۶ تغییر یافت و حکمیت انگلیس دوباره مطرح شد. از این رو کلنل مک ماهون مامور به این کار شد. او همان ابتدا مسیر گلدسمید را تأیید کرد و علاوه بر آن به تقسیم ناعادلانه آب بین ایران و افغانستان رای داد. بدین صورت که دو سوم حق‌آبه را به سیستان و افغانستان که خشک و لم یزرع بود اختصاص و یک سوم آب هیرمند را به ایران که دارای زمین‌های حاصلخیز بود [۸].

۱-۲- دوره پهلوی

الف) رضاشاه پهلوی

افغانستان از زمان جدائیش از ایران تا اعلام استقلال، مستعمره بریتانیا بود. در سال ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ خورشیدی) افغانستان اعلام استقلال کرد و تلاش نمود مناسباتش را با همسایگانش از جمله ایران بهبود ببخشد. دولت افغان در سال ۱۹۲۰ سردار عبدالعزیزخان را به‌عنوان نماینده به ایران فرستاد که موفق شد در ژوئن ۱۹۲۱ یک موافقتنامه دوستی

با ایران منعقد سازد. در همان سال روابط دیپلماتیک برقرار شد [۲۶].

سیاست دولت رضاشاه نسبت به دیگر کشورها به خصوص همسایگان مسلمان سازگاری قابل توجهی بین اهداف و امکانات را نشان می‌داد. سیاست حسن همجواری مشخصاً نوعی از واقع‌گرایی میان اهداف سیاست خارجی ایران و امکانات کشور بود. این اصول جدید سیاست خارجی ایران که در چارچوب میثاق جامعه ملل بود، شامل عدم تعرض، حرمت مرزها، عدم مداخله در امور داخلی، بیطرفی و همکاری اقتصادی بود که عملاً سیاست سنتی را نقض می‌کرد. دولت رضاشاه از آغاز سده چهارده خورشیدی اقداماتی در جهت تضمین تمامیت ارضی افغانستان و عدم مداخله در امور داخلی، عدم تجاوز و بیطرفی مبتنی بر احترام متقابل و همزیستی مسالمت آمیز با انعقاد عهدنامه مودت در سال ۱۳۰۰ شمسی و فصول الحاقیه آن در همان سال نیز در سال ۱۳۰۱ و عهدنامه وادیه و تأمینیه در سال ۱۳۰۶ و پروتکل ضمیمه آن در سال ۱۳۰۷ آغاز و ادامه یافت [۱۳].

رضاشاه همزمان با تحکیم قدرت در کشور، تلاش‌های تازه‌ای برای حل منازعه آب سیستان از طریق مذاکرات مستقیم با افغانان در پیش گرفت. اولین تلاش یاد شده در سال ۱۳۰۹ بود [۲۶]. آب هیرمند و سهم ایران از آن به‌عنوان یک مشکل دو طرفه سال‌ها ادامه یافته و کشمکش بر سر آن در سایر مناسبات هم تأثیر گذاشته بود. با شدت گرفتن کشمکش، هر دو دولت در ۸ مارس ۱۹۳۴ براساس ماده ۱۰ پیمان دوستی ۱۹۲۱ ایران و افغانستان به ارجاع قضیه به داوری تصمیم گرفتند. این بار از ترکیه خواسته شد داوری کند. ژنرال فخرالدین آلتای به رهبری

اکنون میان ده چهار برجک و بند کمال خان می‌برد، احداث نکند و کانال‌های موجود را نیز تعمیر نکند [۸].

ب) دوره محمدرضا شاه پهلوی

در سال ۱۳۲۵ آب هیرمند در سمت ایران به‌طور کلی قطع شد. دولت ایران در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) به نماینده دائم خود در سازمان ملل دستور داد تا قضیه را به شورای امنیت ارجاع دهد. با طرح موضوع، ایالات متحده پادرمیانی کرد و از دو کشور خواست در واکنشگن مذاکره نمایند. تشکیل کمیسیون بی‌طرف مورد توافق قرار گرفت. کمیسیونی متشکل از سه کارشناس بین‌المللی آب از سه کشور بی‌طرف تشکیل شد:

دو مینگر کارشناس آب و استاد دانشگاه از شیلی

رابرت لوری کارشناس آب از ایالات متحده آمریکا

کریستو فروب کارشناس آب از کانادا [۲۶].

کمیسیون تحقیقات خود را در دو طرف انجام داد و پیشنهاد کرد سهم آب ایران از هیرمند ۲۲ متر مکعب در ثانیه باشد. پذیرش این پیشنهاد برای هر دو طرف سخت بود چرا که از نظر افغان‌ها هیرمند گرفتار خشکسالی و کاهش دبی آب شده بود و از دیدگاه طرف ایرانی، سهم اختصاص یافته به ایران از پیشنهاد مک ماهون هم کمتر بود. با توجه به رابطه مناسب سیاسی دولت‌های ایران و افغانستان، دو طرف امکان ادامه مذاکرات تا رسیدن به نتیجه قابل قبول را فراهم کردند.

نتیجه ادامه مذاکرات طولانی دو طرف منجر به امضا برجسته‌ترین توافق با عنوان معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان در تاریخ

گروه داوری انتخاب شد. او در ۱۵ مه ۱۹۳۵ رای داوری خود را اعلام کرد. آلتای بیشتر در خصوص اراضی خشک اظهار نظر و داوری کرد و اختلاف بر سر حق‌آبه هیرمند همچنان باقی ماند.

تقویت قدرت حکومت رضاشاه و سرکوب مخالفان و تجزیه‌طلبان در منطقه سیستان و بلوچستان از یک سو و بروز خشکسالی در سال ۱۳۱۵ باعث گردید موضوع آب هیرمند به‌طور جدی از سوی رضاشاه پیگیری شود.

در سال ۱۳۱۷ ش. قراردادی بین دو کشور به امضا رسید. مهم‌ترین مواد این قرارداد بدین شرح بود:

-توافق دو طرف به تقسیم نصف به نصف میزان آبی که به بند کمالخان می‌رسد.

-تعهد دولت افغانستان مبنی بر اینکه از چهار برجک تا بند کمالخان به میزان آبی که هم اینک مصرف می‌شود، افزوده نشود و از احداث انهار جدید و تعمیر انهار خودداری کند.

-تقسیم و توزیع آب در بند کمالخان بدست آبیاران مجاز دو طرف انجام شود [۳].

-این توافق اگرچه در قیاس با حکمیت مک ماهون منافع ایران را بیشتر تامین می‌کرد اما مشکل هیرمند را نتوانست حل کند. این موافقتنامه به اجرا درنیامد زیرا دولت افغانستان از تصویب آن خودداری ورزید [۲۶].

در سال ۱۹۳۹ (۱۳۱۸) هر دو کشور پذیرفتند که طبق قرارداد منعقد، خط وسط رود را مرز دو کشور بشناسند و آب نیز به‌طور مساوی بین آنها تقسیم شود (به‌ویژه پس از بند کمال خان که در ۴۷ کیلومتری شرق مرز ایران و در خاک افغانستان قرار دارد) دولت افغانستان هم متعهد می‌شد که هیچ کانال تازه‌ای برای استفاده از آب، بیشتر از آنچه هم

بیست و دوم اسفند ۱۳۵۱ بین دو کشور امضا شد. این توافقنامه دارای ۱۲ ماده و دو پروتکل؛ (یکی در خصوص وظایف کمیسیون آب و دیگری ناظر به حل اختلاف از طریق حکمیت) بود.

در ابتدا مخالفت‌هایی در مجلس شورای ملی ایران علیه این توافقنامه ابراز گردید اما در نهایت در خرداد ۱۳۵۲ به تصویب رسید. در همین سال معاهده مزبور به تصویب نمایندگان ملت افغانستان رسید و اسناد آن در سال ۱۳۵۶ مبادله گردید.

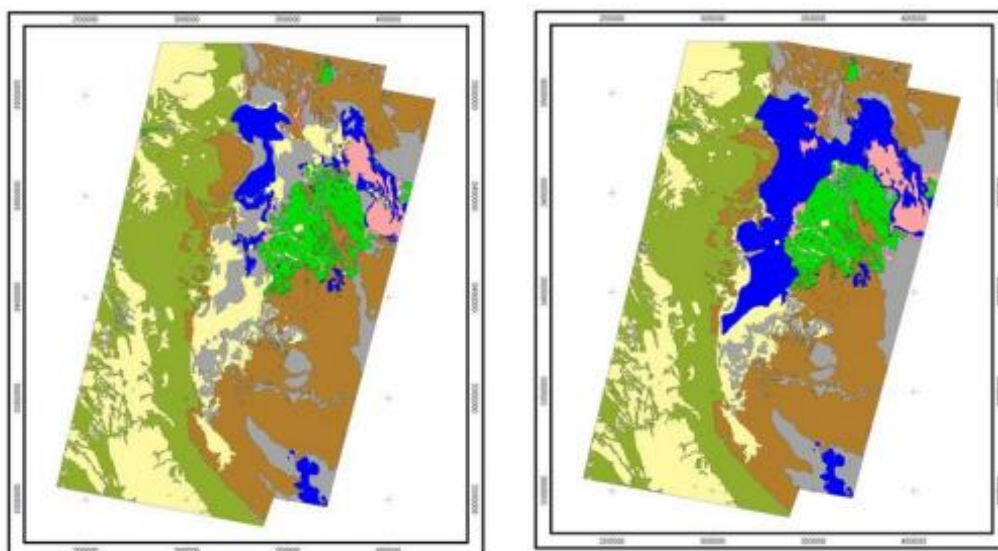
۱-۳- دوره جمهوری اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و کودتا در افغانستان و سپس اشغال آن توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۳۵۸ توافقنامه هیرمند و اجرای درست آن را تحت‌الشعاع قرار داد. بروز جنگ‌های داخلی افغانستان و مشکلات مربوط به مدیریت سرزمین در آن کشور از یک سو و شروع جنگ تحمیلی و ادامه آن به مدت ۸ سال و وجود انواع گرفتاری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در ایران باعث فراموشی پیگیری جدی حقایق ایران از رود مشترک هیرمند شد. مقامات محلی در افغانستان با سو استفاده از پریشانی وضعیت مدیریتی در دو سوی مرز، رفتارهای سلیقه‌ای در پیش گرفتند.

با حاکمیت گروه طالبان بر افغانستان در اواسط دهه ۱۹۹۰ میزان جریان آب هیرمند به ایران به شدت کاهش یافت و در مقطعی به‌طور کامل قطع شد. از طرف دیگر خشکسالی پدید آمده باعث گردید منطقه سیستان از حداقل بارش‌ها هم بی‌بهره گردد [۱۶]. با سقوط طالبان و اعتراض دولت ایران، از ۲۵ اکتبر ۲۰۰۲ به مدت چند روز آب ورودی به ایران افزایش یافت ولی دوباره قطع گردید.

در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ خورشیدی حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان به همراه هیأتی عالی رتبه به ایران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار نمود. در این سفر دو کشور سند همکاری امضا کردند که در بند سیزدهم آن که به امضا سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران و حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان رسید طرفین بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ ش برای تقسیم آب هیرمند تاکید کردند [۹]. افغان‌ها هرگاه با پیگیری حقایق از سوی ایران مواجه شده‌اند به مشکل خشکسالی اشاره کرده‌اند. از طرفی اطلاعات دقیق حوضه را در اختیار طرف ایرانی گذاشته نشده است. کاهش جریان آب و قطع آن باعث گردیده از گستره هامون به وسعت نگران‌کننده‌ای کاسته شود. این مشکل باعث بروز فاجعه محیط زیستی غم‌انگیزی در منطقه سیستان در ایران گردید. در نتیجه این فاجعه محیط زیستی و انسانی خسارت زیادی به شهروندان ایرانی وارد شد [۱۶].

نقشه ۲: تصویر هوایی تالابها در دو زمان



12 May 2003

15 April 1998

منبع: [۳۸]

۲- حقآبه ایران از هیرمند و اقدامات افغانستان

در تغییر مسیر و جریان رود هیرمند

پیمان سال ۱۳۱۷ آب را به طور مساوی بین دو کشور تقسیم می‌کرد. معاهده هیرمند که کامل‌ترین و جامع‌ترین پیمان تقسیم آب ایران و افغانستان است و در سال ۱۳۵۱ امضا شد، سهم ایران را ۲۲ مترمکعب مشخص کرد و ۴ مترمکعب هم ایران خریداری کرد [۲۷]. جدول ۲ میزان حقآبه ایران از هیرمند در مذاکرات چندین دوره را نشان می‌دهد.

در سال ۱۲۵۱ خورشیدی که گلداسمید بین ایران و افغانستان داوری کرد، سخنی از حجم جریان، نحوه توزیع، حقآبه دو طرف و... پیش کشیده نمی‌شود. در آن مذاکرات هیرمند تنها یک شاخه فرعی عمده به نام رود سیستان داشت. دوام جریان طبیعی مورد تأیید دو طرف بوده چرا که در هیچ بخش از مذاکرات، طرفین موضعی خلاف آنچه

دو تصویر ماهواره‌ای بالا در ۲۶ فروردین ۱۳۷۷ و ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲ گرفته شده و نشان دهنده گسترش خشکی تالابها بر اثر کاهش آب ورودی از هیرمند در طی ۵ سال است.

در بهمن ماه سال ۱۳۹۹ هیاتی مرکب از نمایندگان وزارت خارجه، وزارت نیرو و فرمانداران شهرهای شمالی سیستان و بلوچستان به افغانستان سفر و با همتایان خود در خصوص هیرمند مذاکره کردند. پس از دو روز مذاکره اساسنامه پیگیری حق آبه هیرمند تدوین و به امضا طرفین رسید. این اساسنامه که ۷ بند دارد بر مواردی چون نقشه‌کشی جدید حوضه آبریز هیرمند، تامین امنیت جانی مهندسان و تامین آب رودخانه مرزی دو کشور تأکید شده است [۴۱]. با سلطه دوباره طالبان بر افغانستان در سال گذشته و قطع چندین باره آب هیرمند، مشکلات محیط زیستی جنوب شرق کشور ویرانگرتر از گذشته دوام مییابد.

مصارف کشاورزی و آشامیدنی خود استفاده می‌کردند. با تقسیم سیستان و انضمام نیمی از آن به افغانستان، ساکنان می‌دانستند به یکباره از هم جدا افتاده در دو سوی مرزهای سیاسی قرار گرفتند و از این زمان بر سر نحوه استفاده از آب هیرمند دچار اختلاف شدند [۱۳].

گفته شد، نمی‌گیرند. پیش از تقسیم سیستان با حکمیت گلداسمید در سال ۱۸۷۲ و سپس با تغییر بستر رود هیرمند در سال ۱۸۹۶م که منجر به حکمیت مک ماهون در 1905م شد، مسئله آب هیرمند موضوعیت نداشت، زیرا سیستان یکپارچه و یکدست بود و ساکنان آن در دو طرف رود براساس عرف و رسم معمول از آب رود هیرمند برای

جدول ۲: میزان حقایبه ایران از هیرمند در مذاکرات

مذاکرات	سال	حقایبه‌ها
گلداسمید	۱۲۵۱	نامشخص
مک ماهون	۱۲۸۱	یک سوم
پیمان ۱۳۱۷	۱۳۱۷	نصف
معاهده تقسیم آب هیرمند	۱۳۵۱	۲۲ متر مکعب و ۴ متر مکعب هم خریداری شد.

منبع: نگارنده

مسیر کنونی به نزدیکی شاه گل که رود پریان در اواخر سده نوزده شاخه شد، جریان یافت [۲۴]. افغان‌ها به تدریج شروع به دستکاری در جریان و شکل طبیعی رود هیرمند کردند. اقدامات آنان مغایر کنوانسیون‌های بین‌المللی است. از جمله این معاهدات بین‌المللی می‌توان به موافقتنامه وین اشاره کرد که در سال ۱۸۱۵ تصویب شد و رودخانه بین‌المللی را به یکی از سه شکل زیر مشخص می‌کند:

(الف) رودی که از سرزمین دو یا چند کشور می‌گذرد،
 (ب) رودی که سرزمین دو یا چند کشور را جدا می‌سازد،
 (پ) رودی که برای دو یا چند ملت دارای اثر اقتصادی باشد [۲۶]. رود هیرمند پس از اتصال رود ارغنداب به آن در محل قلعه بست تا هامون، مسافتی به طول ۵۰۰ کیلومتر را طی می‌کند. در این مسیر افغان‌ها اقدام به ساخت کانال‌های

مرزسازی‌های استعماری به ویژه از نوع انگلیسی آن همواره بستر را برای پیدایش تنش بین طرفین در سال‌های آتی فراهم و زمینه احتمالی دعوت از آن قدرت استعماری برای حضور و داوری را مهیا می‌کرده است. مشکل هیرمند با داوری گلداسمیت شروع می‌شود. وی منطقه را به دو بخش تقسیم و سیستان درونی (که بخش حاصلخیز سیستان بود) را به افغانستان و سیستان بیرونی (که بخش بی‌حاصل بود) را به ایران اختصاص داد. با این وجود او در خصوص آب هیرمند اقدامی نکرد. دلیل آن را باید در عدم درخواست طرفین جستجو کرد چرا که دبی رود هیرمند فراتر از نیازهای دو کشور بود و مشکل کم آبی اساساً مطرح نبود. دست کم بیست سال پس از رای گلداسمید، شاخه اصلی هیرمند در سیستان، از بند کوهک به سمت شمال در

سد ارغنداب یا دهله به‌عنوان دومین سد بزرگ افغانستان بر روی رود ارغنداب که یکی از سرشاخه‌های مهم رود هیرمند است، ساخته شده است. سد ارغنداب، دومین سد روی هیرمند است که ۴۵ متر ارتفاع و ظرفیت ذخیره ۴۸۰ میلیون مترمکعب آب را دارد. این سد، آب مورد نیاز آبیاری دره ارغنداب در نزدیکی قندهار را فراهم می‌کند. کار ساختمان آن در سال ۱۳۲۹ آغاز و به سال ۱۳۳۱ خاتمه یافت. کمپانی مورپسن آمریکائی این سد و سد کجکی را ساخت [۱۴].

سد گریشک

سد گریشک در نزدیکی شهر گریشک و بر روی رودخانه هیرمند ساخته شده است. این سد در سال ۱۳۲۴ خورشیدی تکمیل شد. تولید برق این سد ۲.۵ مگاوات است.

سد کمال خان

این سد جزو سدهای پرحاشیه افغانستان بوده است. ساخت سد کمال خان از سال ۱۳۴۵ خورشیدی شروع شد اما به‌خاطر بروز مشکلات داخلی در افغانستان، کار ساخت آن برای چند دهه متوقف شد. پس از حدود نیم قرن، فاز نخست ساخت آن توسط شرکت تدس تاجیکستان در سال ۱۳۹۱ تکمیل گردید. مرحله دوم آن در سال ۱۳۹۴ توسط شرکت‌های برایت پریل و آسیابنا تکمیل شد.

فاز سوم ساخت سد کمال خان از تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ شروع شد. این سد که در قریه چهار برجک بر روی رود هیرمند در حال ساخته شدن است، گنجایش ۵۲ میلیون مترمکعب آب را خواهد داشت و ۱۷۴۰۰۰ هکتار از اراضی را

انتقال آب کرده‌اند که حجم قابل توجهی از آب را از جریان رود خارج می‌کنند. برآوردهای پیشین تاکید دارند یکی از دلایل مهم کاهش جریان آب در حوضه آبریز ساختن این کانال‌ها هستند؛ بیش از ۷۵۰ کیلومتر کانال برای برداشت آب از این رود توسط دولت افغانستان ساخته شده است. کانال‌های ساخت روستائیان محلی شامل آن نمی‌شوند [۴۰]. برخی از کانال‌های انحرافی، مشهورند. چندین کانال از جمله هوقیان، کمرق، اخته‌چی، گوهرگان، جوی نو و آرچی سروری نیز حفر شدند که همگی پیامدهای فاجعه باری برای سیستم داشتند [۲۶].

علاوه بر کانال‌ها، سدهای بزرگی بر روی هیرمند و برخی رودهای تغذیه کننده آن بسته شد. مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

سد کجکی

سد کجکی یکی از بزرگترین سدهای کشور افغانستان است که در فاصله یکصد کیلومتری شمال شرق گرشک ساخته شده است. این سد بوسیله متخصصان آمریکائی ساخته شد. کار ساخت آن در سال ۱۳۲۹ (۱۹۵۰) آغاز و در سال ۱۳۳۲ تکمیل شد [۱۴]. این سد جزئی از یک پروژه بزرگ آبیاری و طرح کنترل رودخانه بود که شامل کانال بقرا و پروژه سد ارغنداب هم می‌شد [۳۲].

از مجموع ظرفیت آبی این رود که ۵۶۶ میلیارد متر مکعب است، ۱.۷ میلیارد متر مکعب آن در پشت سد کجکی ذخیره می‌گردد. ارتفاع سد کجکی ۱۰۰ متر از پی می‌باشد.

سد ارغنداب (دهله)

اشرف غنی هنگام افتتاح سد گفت: آب ما باید به موثرترین شیوه مدیریت شود و این موثریت دهها مرتبه باید بیشتر گردد [۳۹].

آبیاری خواهد کرد [۴۲]. این سد پس از تکمیل شدن قرار است ۹ مگاوات برق تولید کند. سد کمال خان در ۴ فروردین ۱۴۰۰ تکمیل و توسط اشرف غنی، رئیس جمهور مخلوع افغانستان افتتاح شد. آقای

نقشه ۳: سدهای مهم ساخته شده بر روی هیرمند و سرشاخه‌های آن



قواعد آبی هلسنیکی که در ۱۹۶۶ تصویب شد اثر زیادی در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل آب داشته است. این قواعد بر دو اصل مهم بنا شده است. اول، اصل حق استفاده همه کشورهای یک حوضه بین‌المللی از آب‌های حوضه و دوم، اصل استفاده معقول و منصفانه از آب‌های حوضه بین‌المللی. ضمن اینکه اصل التزام به عدم آسیب رسانی به صورت غیرمستقیم و به‌عنوان یکی از ۱۱ عامل تعیین سهم استفاده معقول و منصفانه منظور شده است [۱].

کنوانسیون آب اروپا (۱۹۹۲) اگرچه بر مبنای قواعد هلسنیکی تنظیم شده ولی روح حاکم بر آن، به دور از دغدغه‌های اصلی قواعد هلسنیکی و حول محور مشارکت

۳- معاهدات بین‌المللی آب و رفتار افغانستان

۴۰ درصد جمعیت دنیا در حوضه‌های رودخانه‌ای و دریاچه‌ای که بین چند کشور مشترک هستند، ساکن می‌باشند. مشترک بودن حوضه‌های آب و تلاش کشورها برای تصاحب بخش بیشتری از منابع، در صورت عدم وجود توافق مبتنی بر قواعد بین‌المللی به‌طور حتم منجر به تنش‌های زیادی می‌شود.

اسناد بین‌المللی موجود در زمینه آب‌های فرامرزی شامل: (۱) قواعد هلسنیکی، (۲) کنوانسیون آب اروپا، (۳) کنوانسیون آبراهه سازمان ملل متحد و (۴) قواعد منابع آب برلین است که موضوع تقسیم آب، یکی از مباحث اصلی آنها است [۱].

بهبود و پایدار از آن و منافع حاصل از آن، با در نظر گرفتن منافع دولت‌های رودخانه مربوطه، منطبق با حفاظت کافی از مسیر، استفاده و توسعه یابد [۳۵].

بند ۱ ماده ۷ این کنوانسیون کشورها را متعهد به اصل التزام به عدم آسیب رسانی قابل توجه به سایر کشورهای حوضه بر می‌شمارد.

در بند ۱ از ماده ۱۰ معاهده آب برلین تاکید شده که کشورهای حوضه مشترک آب حق دارند در مدیریت و بهره‌برداری معقولانه و منصفانه و مبتنی بر توسعه پایدار مشارکت نمایند. در این بند آمده:

کشورهای حوضه آبی حق دارند در مدیریت آب‌های یک حوضه آبریز بین‌المللی به شیوه‌ای عادلانه، معقول و پایدار مشارکت کنند [۳۳].

در میان چهار نظریه پیش گفته، بهره‌گیری از نظریه‌های حاکمیت محدود سرزمینی و حاکمیت مشترک آب‌ها در تقسیم‌بندی آبراهه‌های بین‌المللی، به یک رویه جهانی تبدیل شده و دو نظریه افراطی حاکمیت مطلق سرزمینی و یکپارچگی مطلق رودخانه عملاً پذیرفته نیست و کاربردی ندارد.

کشورهای آبراه بین‌المللی، بهره‌برداری پایدار از منابع آب مرزی، التزام به رعایت موارد کیفی و زیست محیطی، کنترل سیلاب و اطلاع‌رسانی و هشدار است. همچنین موضوع استفاده منصفانه و معقول تنها در یکی از عبارات مربوط به یکی از بندهای زیرمجموعه ماده ۳ آورده شده که نشان می‌دهد در کشورهای اروپایی، موضوع کیفیت آب، محیط زیست و سیلاب، عمده‌ترین دغدغه در موضوعات مربوط به آب‌های فرامرزی است [۱].

کنوانسیون آبراهه سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۷ یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های جهانی در خصوص بهره‌برداری از منابع آب مشترک است. این کنوانسیون در ۳۷ ماده و ۷ بخش تنظیم و تصویب شده است. روح حاکم بر این کنوانسیون دعوت به همکاری و رعایت جانب حق و حقوق دیگران است. در بند ۱ ماده ۵ این کنوانسیون کشورهای واقع در حوضه‌های مشترک ملزم به بهره‌برداری منصفانه و مسولانه از منابع آب هستند. در این بند آمده:

کشورهای حاشیه آبراهه‌ها در بهره‌برداری از یک مسیر آب بین‌المللی در قلمرو خویش، باید به شیوه‌ای عادلانه و معقول عمل کنند.

به‌طور مشخص، یک مسیر آب بین‌المللی باید توسط دولت‌های حوضه آبریز با هدف دستیابی به بهره‌برداری

جدول ۳: وضعیت رودخانه‌های بین‌المللی و سهم کشورهای مشترک از آنها

کنوانسیون یا معاهده بین‌المللی	وضعیت رودخانه بین‌المللی	سهم کشورها
قواعد هلسنیکی	حق همه کشورهای حوضه بین‌المللی	معقولانه و منصفانه
کنوانسیون آب اروپا	مشترک بین کشورهای حوضه	بهره‌برداری پایدار و منصفانه
کنوانسیون آبراهه سازمان ملل	مشترک بین کشورهای ذینفع	مسئولانه و متناسب
قواعد منابع آب برلین	مشترک بین کشورهای حوضه	مسئولانه، متناسب و محیط زیستی

منبع: نگارنده

است که کشور افغانستان پذیرفته تا با انجام ندادن آنها، خلی در جریان طبیعی هیرمند ایجاد نکند.

نتیجه گیری

افغانستان پس از استقلال نسبت به حق طبیعی ایران از جریان هیرمند رفتاری چندگانه متمایل به عدم همکاری داشته است. علاوه بر سیاست‌های آبی افغانستان جهت کنترل حجم جریان رود هیرمند، باید به مشکلات بلند مدت داخلی آن کشور هم اشاره کرد که در کاهش یا قطعی آب ورودی نقش مهمی داشته است. گسترش مزارع کشاورزی و تاکید بر بهره‌مندی از طرح‌های هیدروالکتریسته و در نتیجه ایجاد کانال و ساخت سدهای گوناگون باعث گردیده آب هیرمند از دوام همیشگی برخوردار نبوده، حجم جریان آن رو به کاهش باشد. اگرچه طرف افغانستانی به خشکسالی اشاره می‌کند در پاسخ باید گفت حجم کاسته شده و قطعی مکرر متناسب با خشکسالی نبوده است.

جلوگیری از ورود حقابه ایران، برای تبدیل وضعیت هیرمند به یک مشکل ژئوپلیتیکی به تنهایی کافی است. اما اقدامات افغانستان ضمن جلوگیری از برخورداری ایران از حقابه خود موازین بین‌المللی را به چالش کشیده است. رفتار افغانستان در خصوص هیرمند و قطع حقابه ایران در تضاد با بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون آبراهه سازمان ملل متحد است که بر بهره‌برداری منصفانه و مسولانه از منابع آب تاکید دارد. همچنین در تضاد با بند ۱ ماده ۷ همان کنوانسیون و بند ۱ ماده ۱۰ معاهده آب برلین و خلاف سند برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۷۸ می‌باشد. سند مزبور کشورها را به رفتار مبتنی بر حسن همجواری و احترام

رودخانه هیرمند یک رودخانه بین‌المللی است. اگرچه رودخانه‌های بین‌المللی دارای رژیم‌های آبی ویژه خود هستند و به‌طور حتم بهره‌مندی کشورهای دارای منافع از آن با انجام توافقاتی طرفین امکان‌پذیر است اما اصول کلی حاکم بر بهره‌برداری از آنها در دنیا یکسان است. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد سندی را در ۱۹۷۸ تصویب کرد که در آن از همه کشورها می‌خواهد که این اصول و فرامین و توصیه‌های آن را در تنظیم کنوانسیون دو یا چند جانبه در خصوص منابع طبیعی مشترک واقع در بین دو یا چند دولت، بر مبنای اصل حسن نیت و با روح مناسبات حسن همجواری و با تلاش در روند تکمیلی آن و عدم مخالفت با آن و در جهت منافع تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به کار گیرند [۲۲].

معاهده راجع به آب رود هیرمند بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت افغانستان در سال ۱۳۵۱ آخرین توافق دوجانبه ایران و افغانستان در خصوص هیرمند است که دارای ۱۲ ماده می‌باشد. در ماده پنجم این معاهده افغانستان متعهد شده اقدامی نکند که ایران را از حقابه رود هیرمند (هلمند) که مطابق احکام مندرج مواد دوم و سوم و چهارم این معاهده تثبیت و محدود شده است، بعضاً یا کلاً محروم سازد. در ماده ششم این معاهده دولت افغانستان پذیرفته اقدامی نخواهد کرد که حقابه ایران برای زراعت به‌طور کلی نامناسب شود یا به مواد شیمیایی حاصله از فاضلاب صنایع به حدی آلوده شود که با آخرین روش‌های فنی و معمول قابل تصفیه نبوده و استعمال آب برای ضروریات معدنی ناممکن و مضر گردد. با توجه به عملکرد نامناسب افغان‌ها در خصوص آب هیرمند، بیشتر موارد این معاهده تعهداتی

به حقوق و منافع دیگران تاکید دارد. براساس اصل بهره‌برداری تاریخی قطع آب هیرمند به معنای نادیده گرفتن حق طبیعی و حقا به ایران از جریان هیرمند می‌باشد.

جدول ۴: عملکردهای افغانستان در مغایرت با کنوانسیون و موافقتنامه

عملکرد	مغایرت با
ساخت سد، کانال انحرافی و بند	توافق ۱۳۵۱
بهره‌برداری نادلانه و غیر مسولانه	قواعد هلسینکی، کنوانسیون آبراهه سازمان ملل
قطع آب هیرمند	کنوانسیون آبراهه سازمان ملل
قطع آب هیرمند	معاهده آب برلین، سند برنامه محیط زیست سازمان ملل
نادیده گرفتن حقا به ایران	سند برنامه محیط زیست سازمان ملل، معاهده آب برلین

دارد. رفتار افغانستان در سال‌های اخیر در مقایسه با مهر فراوان چندین دهه ایران به دولت و مهاجران افغانستانی خلاف ادب و حسن همجواری است.

طی یکصد سال گذشته یک فاجعه محیطی جدی در بخش‌های خاوری ایران در حال گسترش بوده است. با کوچک شدن و سپس خشک دریاچه هامون تمامی فعالیت‌های مرتبط و جانبی آن از بین رفته است. قطع مکرر آب ورودی در سال‌های اخیر باعث بروز فاجعه محیط زیستی شده و شهروندان سیستانی گرفتار مشکلات زیادی شده‌اند. از بین رفتن کشاورزی، نابودی دام‌ها و بیکاری و در نتیجه مهاجرت از پیامدهای اصلی قطع آب هیرمند بوده است. قطع آب هیرمند بازداشتن ایران از دسترسی به حق قانونی، تاریخی و جغرافیایی است.

اکنون که حکومت طالبان در تلاش است ضمن قانونی جلوه دادن خود، ثبات نسبی را در آن کشور ایجاد کند، شایسته است در کنار حل مسائل داخلی به تعهدات بین‌المللی پایبند بوده، از رفتارهای چالش‌برانگیز پرهیز

مذاکرات طولانی مدت ایران و افغانستان و در نهایت پیمان سال ۱۳۵۱ که سهم هر دو کشور را تعیین کرد، آب هیرمند را به موضوعی هیدروپلیتیک تبدیل کرده بود اما تداوم کارشکنی‌های افغانستان در جلوگیری از جریان آب در بستر هیرمند به سوی ایران و بستن آب، آن را به موضوعی ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است. رفتار و کردار دولتمردان افغانی بر تبدیل آب به موضوعی ژئوپلیتیک بین دو کشور تاکید دارند. اشرف غنی، رئیس جمهور مخلوع افغانستان بر ارزشمند بودن آب آن کشور و قابلیت معاوضه در برابر نفت و بر افزایش جدیت در مدیریت منابع و تا پای جان بر سر اقدامات ایستادن تاکید داشت که در لحنی فراتر از لحن دیپلماتیک قابل درک است و رنگ و بوی ژئوپلیتیکی دارد.

پر واضح است که به خاطر مصالح ملی و رفع بحران محیط زیستی سیستان، موضوع قطع حقا به ایران از هیرمند باید با جدیت پیگیری و حل شود. چگونگی حل این مشکل در ماده ۹ معاهده آب دو کشور پیش بینی شده است. خوشبختانه ایران مکانیزم‌های تاثیرگذار و مهمی در اختیار

*مرکز دائمی پایش جریان آب هیرمند زیر نظر متخصصان دو کشور ایجاد و اطلاعات آن تحویل مقامات دو طرف شود.

تشکر و قدردانی: از معاونت پژوهشی دانشگاه پیام نور تقدیر می‌گردد.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

نماید. در این راستا شایسته است موارد زیر مورد توجه جدی دستگاه دیپلماسی کشورمان قرار گرفته و انجام آن به طرف مقابل گوشزد شود:

*افغانستان باید از ساخت بند انحرافی یا سد در مسیر جریان رود هیرمند خودداری کند.

*وضعیت جریان آب به زمان عقد معاهده تقسیم آب در سال ۱۳۵۱ بازگردد و دریچه سدھائی که پس از توافق ساخته شده‌اند، باز شود.

*کانال‌ها و بندهای انحرافی که پس از عقد معاهده ۱۳۵۱ ساخته شده‌اند از مدار استفاده خارج گردند.

*چنانچه افغانستان اصرار به کاهش جریان رود هیرمند بر اثر تغییرات اقلیمی دارد این کاهش به نسبت سهم دو کشور مشخص گردد.

References:

1. Papoli Yazdi, M. H. & Vossughi, F. A Look at Iran Water Diplomacy. Mashhad: Papoli Publition Co, 170, 2011. [Persian]
2. Por Asghar Sangachin, F. & Ebrahimi Khosafi, M. Investigating the Effects of Water Regulation Programs of Neighboring Countries in Shared Border Basins on Iran. Center for Development Research and Foresight (CDRF), 8 & 6, 2018. [Persian]
3. Jafari Valdani, A.A., Use of Water Resources of Border rivers of Iran and Iraq and international law. Law and Politics Research, No.26, 2009. [Persian]
4. Hafeznia, M.R. Political Geography of Iran. Samt Publication, 327 & 329, 2002. [Persian]
5. Avarideh, F. and et al. Comparative Study of the International Law Related to Water Sharing in Trans-boundary Rivers. Environmental Sciences, Vol. 14, Issue 2, July 2016. [Persian]
6. Eslami, R., and et al. The Mechanism of Strategy for Diplomacy Water Right Iran in Hirmand River. Political Strategic Studies, Vol. 8, Issue. 30, December 2019. [Persian]
7. Etaat, J. & Varzesh, I. Hydropolitics of Hirmand, Reasons, Effects and Consequences. Human Geography Research Quarterly, No. 80, 2012. [Persian]
8. Bina, A. Iranian Diplomatic and Political History. University of Tehran, Vol. 1, 240, 2004. [Persian]

17. Asgari, S. Political Geography of Iran. Payam Noor University Publication, , 112, 2020.[Persian]
18. Asgari, S. Water Crisis: the Existential Challenge of Iran. National Conference on Water Diplomacy and Hydropolitical Opportunities of West Asia, Khwarazmi University, 2017. [Persian]
19. Asgari, S. and et al. Strategic Water Insecurity and the Role of Ineffective Governance in its Emergence. Social Capital Management, Vol 5, No 3, 2018. [Persian]
20. Flint, C. Introduction to Geopolitics. Translated into Persian by M.B. Ghalibaf & M.H. Pouyandeh, Ghoomes Publishing co., 34, 2011.
21. Nosrati, H. and et al. A Foucauldian Analysis of "Water security "Concept in Terms of Political Geography and Geopolitics. International Quarterly of Geopolitics, Vol 15, No 1, 2019. [Persian]
22. Gundling, L. and et al. Environmental Law. Translated into Persian by M.H Habibi, University of Tehran Pub. Co., 76 & 85, 2015.
23. Lacoste, Y. and Giblin, B. Facteurs et Opinions en Geopolitique. Translated into Persian by A. Farassati, Teharn: Amen Publication, 15, 1999.
24. Mojtahed Zadeh, P. The Amirs of the Borderlands: and Eastern Iranian Borders. Translated into Persian by H.
9. Hafeznia, M.R. and et al. Hirmand Hydropolitic and its Effect on the Political Relations of Iran and Afghanistan. The Journal of Spatial Planning, Vol. 10, Issue 2, 2006. [Persian]
10. Hafeznia, M.R. Principles and Concepts of Geopolitics. Mashhad: Papoli Publition. Co, 102 & 85, 2006. [Persian]
11. Hejazizadeh, Z. et al. Analyzing the Accuracy of Drought Indicators and Determining the Best Climatic Indicators in Southeastern Iran. Journal of Geography, Vol 19, No. 68, 2021. [Persian]
12. Rajbi, M. Iranian Diplomat's Memories of Afghanistan Mission. Tehran: Erfan Publication, 64, 2013. [Persian]
13. Rahmanian, D. and Baraghi, D. A Historical Overview of the Importance of the Helmand River in Bilateral Relationships Between Iran and Afghanistan. Journal of Iran History, Vol 3, No 1, 2010. [Persian]
14. Shormach, M.A. General Geography of Afghanistan. Kabul: Zoori Pub. Co., 91 & 225, 1971. [Persian]
15. Ezzati, E. 21 St Century Geopolitics. Samt Publication, 7, 2002. [Persian]
16. Asgari, S. An Introduction to Environmental Geopolitics. Arak: Nevisandeh Pub. Co, 81, 2010.[Persian]

- Assessment Report, Louis Berger Group Inc. Afghanistan, New York, 2004.
33. International Law Association Berlin Conference, Berlin Rules on Water Resources, 2004.
34. Madani Larijani, K. Iran's Water Crisis: Inducers, Challenges and Counter-measures. ERSA 45TH Congress of the European Regional Science Association, Vrije University, Amsterdam, Netherlands, 2005.
35. United Nations, Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses 1997. 2014.
36. UN Water. Thematic Paper. Transboundary Waters: Sharing Benefits, Sharing Responsibilities, 2008.
37. UN Water. Valuing Water. The United Nations World Water Development Report, ۲۰۲۱.
38. UNDP. Restoration and Sustainable Use of the Shared Sistan Basin. A Baseline Situation Analysis, 2005.
39. Water Magazine. Ministry of Water and Energy of the Islamic Republic of Afghanistan, No. 71, 2021.
40. Whitney, John. W. Geology, Water, and Wind in the Lower Helmand Basin, Southern Afghanistan. US Geological Survey, Reston, Virginia. USA, 22, 2006.
41. <https://www.irna.ir/news/84207061>
- Malek Mohammadi, Shirazeh, Tehran, 300 & 432, 1999.
25. Mojtahedzadeh, P. Political Geography and Geopolitics, Samt Publication, 129, 2002. [Persian]
26. MojtahedZadeh, P. Small Players of the Great Game. Translated into Persian by A. Ahmadi, Moin Publication, 286,315, 314, 317, 318 & 299, 2007.
27. Mojtahedzadeh, P. and Asgari, S. Political Geography and Geopolitics. Payam Noor University Publication, 67 & 210, 2011. [Persian]
28. Mokhtari Hashi, H. and Ghaderi Hajat, M. Hydropolitics in the Middle East in 2025 Case Study: The Basins of Tigris, Euphrates, Jordan & Nile River. International Quarterly of Geopolitics, Vol 4, Issue 11, 2008. [Persian]
29. Mokhtari Hashi, H. Hydropolitics of Iran; The Geography of Water Crisis in the Horizon of 2025. International Quarterly of Geopolitics, Vol 9, Issue 31, 2013. [Persian]
30. Mousazadeh, R. and Abbaszadeh, M., Legal Aspects of Exploitation of Hirmand Border River by Iran and Afghanistan. Vol 22, Issue 93, 2016. [Persian]
31. Introducing the Helmand Sea, Ministry of Water and Energy. Islamic Republic of Afghanistan, 2020. [Persian]
32. Acres International Corporation Amherst. Kajaki Hydroelectric Project Condition Assessment Dam Safety

[php](#)

42. https://pcumew.gov.af/we/water_plan.